



تحلیل شاخص کفایت سرمایه در شبکه بانکی ایران؛

استاداردها و عملکرد

کمیسیون بازار پول و سرمایه

دیرخانه کمیسیون های تخصصی

عنوان گزارش: تحلیل شاخص کفایت سرمایه در شبکه بانکی ایران؛ استانداردها و عملکرد
کمیسیون: بازار پول و سرمایه
تهیه کننده: موسی شهبازی غیائی
انتشار: دبیرخانه کمیسیون های تخصصی اتاق ایران
شماره گزارش: ۴۹۵۵۴
آبان ۹۵

فهرست مطالب

۳	چکیده
۴	مقدمه
۵	مفهوم و استانداردهای کفایت سرمایه بانکها
۷	مقررات کفایت سرمایه و عملکرد بانکها در ایران
۱۱	واکاوی چالشهای کفایت سرمایه در بانکهای ایران
۱۳	الزامات بهبود نسبت کفایت سرمایه و ارتقای استانداردها
۱۶	نتیجه گیری و جمع بندی
۱۷	منابع و مآخذ

چکیده

سرمایه و کفایت نسبی آن یکی از مولفه‌ها و شاخص‌های مهم سنجش کارآمدی و سلامت بانکها محسوب می‌شود. هدف از این گزارش بررسی و تبیین استانداردها و وضعیت کفایت سرمایه بانکها در ایران جهت اطلاع از وضعیت سلامت و کارایی سرمایه شبکه بانکی است. بررسی این گزارش نشان داد مقررات و استانداردهای بین‌المللی در زمینه کفایت سرمایه از پیشرفتهای قابل توجهی برخوردار بوده ولی بانک مرکزی ایران کماکان براساس استاندارد کمیته بال یک (۱۹۹۸) که آیین نامه کفایت سرمایه بانکها و موسسات اعتباری را در بهمن ماه سال ۱۳۸۲ تصویب نموده و حداقل نسبت کفایت سرمایه ۸ درصد را برای این نهادها الزامی کرده است، عمل می‌نماید و در طول سالهای گذشته این آیین‌نامه مورد بازنگری و ارتقا قرار نگرفته است. که باتوجه به وضعیت فعلی کفایت سرمایه در شبکه بانکی کشور، حرکت به سمت مقررات جدید در این زمینه و ایجاد زیرساخت‌های لازم بسیار ضروری است.

همچنین در کنار بررسی استانداردها، آمار عملکرد شبکه بانکی در خصوص نسبت کفایت سرمایه (حداقل ۸ درصد سرمایه پایه) در طول سالهای گذشته (۱۳۸۴-۹۳) مورد بررسی قرار گرفت. بررسی صورت گرفته نشان داد که این نسبت با نوسانات زیادی مواجه بوده و بانکهای دولتی نسبت به بانکهای خصوصی از وضعیت نامساعدتری روبروست که دلایل آن مورد واکاوی قرار گرفت که ریشه‌های آن مورد بررسی قرار گرفت که می‌توان به مواردی همچون عدم بازبینی مقررات کفایت سرمایه همگام با تحولات جهانی، ضعف در افشا و تفاوت‌های زیاد در ارائه اطلاعات مربوط به کفایت سرمایه در صورت‌های مالی بانکها، مشکلات عدیده در کفایت سرمایه بانکهای دولتی ناشی از عوامل بیرونی و درونی، عدم اثربخشی اقدامات اصلاحی و نظارتی لازم در خصوص بانکهای با کفایت سرمایه پایین تر از حد استاندارد، کیفیت پایین و غیرکارایی کانالهای افزایش سرمایه بانکها همچون تجدید ارزیابی دارایی‌ها و.. اشاره نمود. در جمع‌بندی گزارش به الزامات بهبود وضعیت موجود اشاره شده است.

واژگان کلیدی: کفایت سرمایه، بانک، کمیته بال، ریسک، سرمایه.

مقدمه

نگاهی به وضعیت عملکرد و چالش‌های موجود شبکه بانکی کشور نشان می‌دهد که وضعیت سرمایه بانک‌ها و کفایت آن براساس دارایی‌های ریسکی در شبکه بانکی با شرایط نامناسبی روبروست. بدون شک وضعیت نامطلوب سرمایه موجب می‌شود قدرت تسهیلات دهی بانک‌ها کاهش یافته و مهمتر از آن، بانک‌ها را با خطر ورشکستگی یا ناتوانی در ادامه فعالیت مواجه سازد. به منظور برون‌رفت از این وضعیت و نظارت لازم بر سلامت بانکها از نظر کفایت سرمایه مورد نیاز، ضروریست همگام با تحولات بانکداری دنیا و اصلاحات صورت گرفته در خصوص مقررات کفایت سرمایه در دو دهه اخیر، ضمن روزآمدسازی و اصلاح استاندارد کفایت سرمایه، آسیب‌شناسی لازم از وضعیت فعلی کفایت سرمایه بانکها در ایران صورت گیرد. این گزارش به تبیین و تحلیل مسئله مذکور می‌پردازد.

گزارش حاضر تلاش دارد پس از تبیین مفهوم کفایت سرمایه، مقررات مرجع کمیته بال را در خصوص کفایت سرمایه را مورد بررسی قرار داده و پس از آن به تبیین خلأها و فاصله‌های مقرراتی کفایت سرمایه در ایران و نهایتاً وضعیت کفایت سرمایه بانکها و چالش‌های موجود بپردازد.

مفهوم و استانداردهای کفایت سرمایه بانکیها

نسبت کفایت سرمایه به عنوان شاخصی از توان سرمایه‌ای بانک در برابر زیان‌های غیرمنتظره است که به نوعی ابزاری برای حفظ منافع سپرده‌گذاران و سایر ذینفعان تلقی می‌شود. به دلیل حفاظتی که این نسبت در برابر زیان‌های وارده ایجاد می‌کند، حفظ و نگهداری سرمایه کافی و متناسب با مخاطرات موجود منبع اصلی اعتماد عمومی به هر بانک به طور خاص و نظام بانکی به طور عام است. بدین لحاظ در قانون پولی و بانکی کشور نیز بر این ضرورت تأکید گردیده و در ماده (۱۴) این قانون به نسبت سرمایه به انواع دارایی‌ها اشاره شده است.

در دهه اخیر با توجه به مقررات بانک تسویه بین المللی^۱ (کمیته نظارت بانکی بال^۲) و سایر نهادهای بین المللی، تقویت سرمایه بانک‌ها برای حفظ سلامت نظام بانکی یک الزام بین‌المللی محسوب شده و کشورها به منظور حفظ اعتبار نظام بانکی خود در سطح بین المللی، خود را ملزم به رعایت مقررات و استانداردهای مربوطه نموده اند.

کفایت سرمایه یک بانک مفهومی نسبی است. به این معنی که مناسب بودن میزان آن برحسب اندازه و حجم فعالیت بانک قابل تأیید است. بنابراین معمولاً کفایت سرمایه بر حسب نسبت سرمایه به دارایی‌ها تعیین می‌شود و شاخصی از توانایی بانک در جذب آثار منفی ناشی از زیان‌های احتمالی و اعاده موقعیت مناسب خود، به شمار می‌رود (پهلوان‌زاده، ۱۳۸۶، ص ۲۲).

نسبت کفایت سرمایه بانک یا مؤسسه اعتباری، از تقسیم سرمایه بانک بر دارایی‌های موزون شده بر اساس ریسک بدست می‌آید. منظور از دارایی‌های موزون به ریسک این است که به طور مثال تسهیلات اعطایی به عنوان عمده‌ترین قلم دارایی‌های بانک‌ها باید متناسب با ریسک بازپرداخت توسط مشتری و سایر ریسک‌ها (بازار و عملیاتی) تعدیل شود. به عنوان مثال اگر یک بانک دارای ۱۰۰ میلیون ریال دارایی (تسهیلات اعطایی) با ریسک بازپرداخت ۵۰ درصد باشد، در واقع دارایی موزون به ریسک این بانک ۵۰ میلیون ریال است که درصدی از مجموع دارایی‌ها را بانک باید به عنوان سرمایه پشتیبان داشته باشد. (بر اساس مقررات فعلی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۸ درصد)

کمیته نظارتی بانکی بال^۳ به عنوان یکی از مراجع مهم و فعال در عرصه مقررات‌گذاری بانکداری به تدوین و ارائه استانداردهای مختلف در خصوص فعالیت بانک‌ها می‌پردازد. این کمیته در سال ۱۹۷۵ به وسیله رؤسای کل بانک‌های مرکزی کشورهای عضو گروه ۱۰ شامل کشورهای بلژیک، کانادا، فرانسه، آلمان، ایتالیا، ژاپن، لوکزامبورگ، هلند، اسپانیا، سوئد، سوئیس، انگلستان، و ایالات متحده آمریکا پایه‌گذاری شد.^۴ در حال حاضر این کمیته، که اجلاس آن در بانک تسویه حساب‌های بین المللی واقع در شهر بازل یا بال (Basel) سوئیس برگزار می‌شود، به مهمترین مرجع تخصصی در زمینه نظارت بانکی تبدیل شده است و استانداردها و پیشنهادهای منتشره از سوی این کمیته برای طراحی الگوها و تدوین بسیاری از مقررات و الزام‌های احتیاطی در کشورهای گوناگون سایه افکنده است. از مهمترین اقدامات کمیته بال تهیه و انتشار مقررات مربوط به کفایت سرمایه است.

اولین مجموعه از مقررات کفایت سرمایه بال در سال ۱۹۸۸ توسط کمیته نظارت بانکی بال (BCBS, 1988) ارائه شد. این مقررات و استانداردها فقط ریسک اعتباری را در محاسبه سرمایه مورد نیاز بانک مدنظر قرار داده است. بر اساس مقررات بال ۱ نسبت کفایت سرمایه از تقسیم سرمایه درجه یک و درجه دو بر دارایی‌های موزون شده به ریسک (اعتباری) به دست می‌آید.^۵

استاندارد بال ۱ مقرر می‌دارد که حداقل نسبت کفایت سرمایه درجه یک به دارایی‌های موزون شده به ریسک ۴ درصد و حداقل نسبت برای کل سرمایه (سرمایه درجه یک و دو) ۸ درصد باشد. بر اساس استاندارد بال ۱ سرمایه درجه یک از مجموع سرمایه پرداخت شده و حقوق صاحبان سهام تشکیل شده و سرمایه درجه دو از حجم ذخایر احتیاطی و قانونی و ویژه و تجدید ارزیابی دارایی‌ها حاصل می‌شود. در خصوص ریسک اقلام دارایی بانک نیز مقررات بال ۱، چهار طبقه دارایی با ریسک صفر درصد (مطالبات دولت، اوراق دولتی، ضمانت‌نامه‌های دولتی)، ریسک ۲۰ درصد (مطالبات از بانک‌ها، مطالبات ارزی، و مانند آنها)، ریسک ۵۰ درصد (وام و تسهیلات رهنی)، و نهایتاً ریسک ۱۰۰ درصد (سایر مطالبات) را مورد شناسایی

^۱ Bank for International Settlements

^۲ Basel Committee on Banking Supervision

^۳ Committee on Banking Supervision

^۴ در این کمیته کارشناسان ارشد نظارت بانکی عضویت دارند. متخصصانی از کشورهای گوناگون و پیشرو در صنعت بانکداری گرد هم آمده و با استفاده از تجربه‌ها و تخصص خود رهنمون‌هایی را برای حفظ سلامت و کارایی نظام‌های پولی در سرتاسر جهان پیشنهاد می‌کنند

^۵ Basel Committee on Banking Supervision (BCBS), "International convergence of capital measurement and capital standards", July 1988. <http://www.bis.org/publ/bcbs04a.htm>

قرار داده است. با توجه به اینکه در مقررات بال ۱، ریسک بازار و ریسک عملیاتی در محاسبات مقررات سرمایه وارد نمی‌شود، طبقات مختلف دارایی و نحوه اعمال ریسک آنها در فرمول بال ۱ بسیار ساده و کلی در نظر گرفته شده است.^۶

در دستورالعمل بال ۱ به کل وام‌های تجاری صرف نظر از اینکه از لحاظ وضعیت کیفیت اعتباری - یعنی از لحاظ رتبه اعتباری و وثایق در چه طبقه قرار خواهند گرفت - وزن یکسانی داده شده است.

با مشخص شدن کاستی‌های مقررات بال ۱ در خصوص کفایت سرمایه، دستورالعمل بال ۲ در سال ۲۰۰۴ با تأکید بر سه محور الزامات حداقلی سرمایه، تجدیدنظر نظارتی و نظم بازار به منظور دستیابی به سلامت و ثبات نظام مالی معرفی شد (Elizalde, 2007). براین اساس استاندارد کفایت سرمایه در بال ۲ مورد بازبینی قرار گرفت.

در بال ۲ علاوه بر ریسک اعتباری، ریسک عملیاتی و ریسک بازار نیز برخلاف آنچه در بال ۱ بود در فرمول کفایت سرمایه وارد شد. منظور از ریسک عملیاتی زیان ناشی از ضعف یا سوء استفاده افراد، فرآیندها، سیستمهای عملیاتی و یا زیانهای ناشی از رخدادهای و وقایع بوده و ریسک بازار نیز، کاهش ارزش پرتفوی بانک در اثر تغییر هر یک از متغیرهای اصلی مثل نرخ بهره، نرخ تورم و یا نرخ ارز است. به طور کلی این بیانیه برخلاف بیانیه بال ۱، ساختار پیچیده‌تری داشته و محاسبات دارایی‌های موزون شده به ریسک گسترده و انعطاف‌ناپذیرتر شده است.

بال II به دنبال افزایش حساسیت ریسک در مقررات نظارت بانکی بوده که این کار موجب می‌شود انگیزه برای اقدامات ریسکی و در پی آن هزینه‌های نظارت در بانکها کاهش یابد (Elizalde, 2007).

در مقایسه با چارچوب مقررات سرمایه بال ۱، اوزان ریسکی که در بال ۲ مورد محاسبه قرار می‌گیرد به نسبت رده سازمانی و درجه ریسک تسهیلات‌گیرنده تغییر می‌کند، بدین نحو که هرچه قدر ریسک اعتباری سطح معینی از افشا بانکی بالا باشد، وزن ریسک تعیین شده برای آن سطح افشا افزایش می‌یابد.^۷

پس از وقوع بحران مالی ۲۰۰۷-۲۰۰۸ مشخص شد که بانکها و نهادهای مالی باید الزامات احتیاطی و نظارتی بسیار بیشتری را رعایت نمایند تا ریسک فعالیت آنها از جنبه‌های مختلف کنترل و مدیریت شود. بر همین اساس بود که پس از بررسی‌های مختلف توسط کمیته بازل، سرانجام مقررات جدید سرمایه‌ای و کفایت سرمایه در سال ۲۰۱۱ تهیه و منتشر شد.

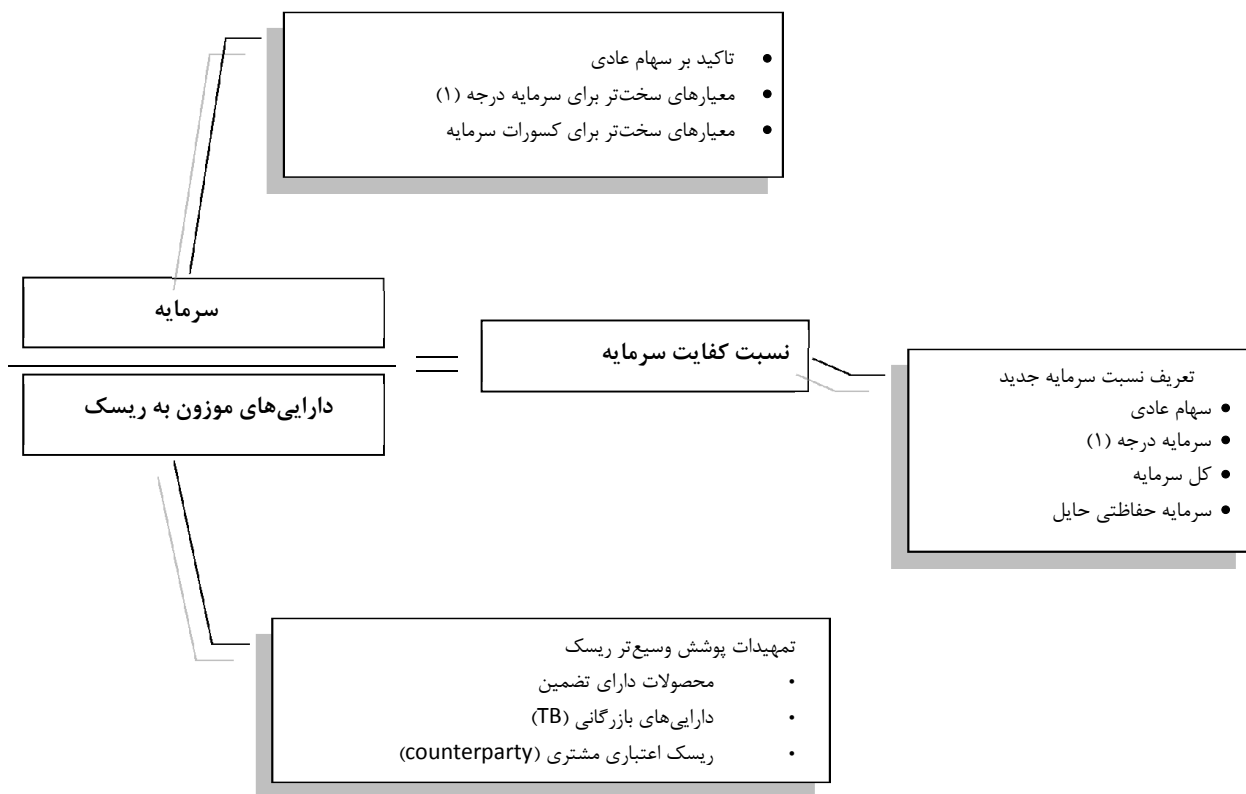
چارچوب بال ۳ با هدف تقویت الزامات احتیاطی برای بانکها با چشم‌انداز دستیابی به نظام مالی امن‌تر ارائه شد. این دستورالعمل، رهنمودهایی را در مورد سرمایه، نقدینگی، بلوغ و استحکام بانکها با هدف کاهش انگیزه‌های اقدامات پرریسک و تقویت دارایی‌های بانکها ارائه می‌دهد (Auboin and Blengini, 2014).

بیانیه بال ۳ در سال ۲۰۱۱، با بازبینی در تعریف دارایی‌های ریسکی، افزایش نسبت عمومی لازم در سرمایه درجه یک به ۷ تا ۹/۵ درصد - بسته به شرایط بازار - و افزایش نسبت ضروری سرمایه درجه یک به ۸/۵ تا ۱۱ درصد و افزایش نسبت ضروری کل سرمایه به ۱۰/۵ تا ۱۳ درصد صورت پذیرفت. همچنین به عنوان یک پشتوانه، در بال ۳، حداقل مورد نیاز برای نسبت اهرمی، ۳ درصد در نظر گرفته شد که این نسبت با تقسیم سرمایه درجه یک به کل دارایی‌ها (غیرموزون به ریسک) بدست می‌آید.

^۶ Ibid.

^۷ در چارچوب بال ۱ صرفاً رده سازمانی تسهیلات‌گیرنده مورد توجه قرار می‌گرفت.

شکل ۱: اصلاحات کفایت سرمایه در بال ۳



در بال ۳ مجموعه‌ای از مقررات و نسبت‌های احتیاطی در خصوص سرمایه معرفی شده است. به عنوان مثال "ذخیره سرمایه حائل اجباری" به میزان ۲/۵٪ و "ذخیره سرمایه حائل ضد دوره‌ای مصلحتی" تعیین شده است که این امکان را به ناظران بانکی هر کشور می‌دهد تا در زمان رشد شدید اعتبارات، ذخیره‌گیری تا ۲/۵٪ از سرمایه را اجباری نمایند. در واقع حائل ضد ادواری در دوران رونق، ذخیره شده و در دوران رکود به کار گرفته می‌شود تا بانک‌ها توانایی خود را برای اعطای اعتبار به بخش‌های مولد اقتصادی حفظ نمایند. علاوه بر این در بال ۳، حداقل نسبت اهرمی ۳٪ و دو نسبت نقدینگی الزامی نیز معرفی شده است. "نسبت پوشش نقدینگی"، بانک‌ها را ملزم می‌نماید تا برای پوشش خالص کل جریان نقدی خود در ۳۰ روز، دارایی‌های نقدی با کیفیت بالا به میزان کافی نگهداری کنند؛ "نسبت تأمین مالی ثابت خالص" نیز بانک‌ها را ملزم می‌سازد تا مقدار موجود تأمین مالی ثابت، بیشتر از مقدار مورد نیاز تأمین مالی ثابت در طی یک دوره یکساله تداوم بحران باشد.

مقررات کفایت سرمایه و عملکرد بانکها در ایران

برای اولین بار مقررات کفایت سرمایه در بانکداری ایران بر اساس آیین‌نامه کفایت سرمایه سال ۱۳۸۲ مبتنی بر مقررات بال ۱ تدوین و ابلاغ گردید. بر اساس این آیین‌نامه نسبت کفایت سرمایه حاصل تقسیم سرمایه پایه به مجموع دارایی‌های موزون شده به ضرایب ریسک برحسب درصد می‌باشد.^۸ جمع اقلام بالای خط و زیر خط ترازنامه که براساس ضرایب ریسک موزون شده است، در مخرج کسر نسبت کفایت سرمایه قرار می‌گیرد، صورت کسر نیز براساس ضوابط مندرج در «آیین‌نامه مربوط به سرمایه پایه»^۹ محاسبه می‌شود. بدین ترتیب:

نسبت کفایت سرمایه	=	سرمایه پایه
-------------------	---	-------------

^۸ مبنای قانونی مقررات بیان شده مذکور، با استناد به بند «۵» ماده (۱۴) قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱ است.

^۹ آیین‌نامه مربوط به سرمایه پایه بانکها و موسسات اعتباری، م/ب/۱۹۱۱، ۱۳۸۲/۱۱/۱۶

طبق ماده (۳) آیین نامه کفایت سرمایه^{۱۲}، حداقل نسبت کفایت سرمایه برای کلیه بانکها و مؤسسات اعتباری (اعم از دولتی و غیردولتی) ۸ درصد تعیین شده است. این میزان بر اساس مقررات کمیته بال ۱ تدوین شده است که در حال حاضر این کمیته مقررات بال ۳ را متناسب با تغییر و تحولات در نظام بانکی جهانی برای کفایت سرمایه ارائه کرده است که در بخشهای قبلی گزارش بدان پرداخته شد.

سرمایه پایه بانکها و مؤسسات اعتباری، بر اساس آیین نامه شورای پول و اعتبار سال ۱۳۸۲ حاصل جمع سرمایه اصلی (درجه یک) و سرمایه تکمیلی (درجه دو) پس از کسر سرمایه گذاری در بانکها و مؤسسات اعتباری دیگر و تابعه می باشد. در محاسبات سرمایه پایه، سرمایه تکمیلی می تواند حداکثر معادل سرمایه اصلی باشد. سرمایه اصلی (درجه یک) شامل سرمایه پرداخت شده، اندوخته قانونی، سایر اندوخته ها، سود انباشته و صرف سهام می باشد و سرمایه تکمیلی (درجه ۲) شامل ذخیره تجدید ارزیابی دارایی های ثابت^{۱۳}، ذخیره مطالب مشکوک الوصول عمومی^{۱۴} (حداکثر معادل ۱/۲۵ درصد دارایی های موزون به ریسک) و ذخیره تجدید ارزیابی سهام می باشد.

در حالی که دیگر کشورها در حال پیاده سازی الزامات کلیدی برای به کارگیری مقررات بال دو بودند، بانک مرکزی با وقفه زمانی زیادی نسبت به آنها، در سال ۱۳۸۲ آیین نامه های سرمایه پایه بانکها و کفایت سرمایه را براساس الگوی بال یک تنظیم و به بانکها ابلاغ کرد. هرچند در کشورهای دیگر، سرمایه پایه بانکها و نسبت های کفایت سرمایه از مهم ترین متغیرهای عنوان شده در صورت های مالی بانکها به شمار می آیند، اما با وجود گذشت ۱۰ سال از ابلاغ آیین نامه های فوق، تاکنون این اقلام به صورت مداوم در بانکهای کشور محاسبه و به ذی نفعان، به ویژه سپرده گذاران، اعلام نشده است. تاخیر در مقررات گذاری در زمینه کفایت سرمایه، به ویژه مقررات گذاری تکمیلی؛ عدم تمکین بانکها از ه بخشنامه فوق که مقررات اولیه و زیربنایی کفایت سرمایه را تشکیل می دهند؛ و عدم توجه بانک مرکزی به الزام در نظارت موثر بر کفایت سرمایه؛ در مجموع زمینه لازم برای سوق دادن شبکه بانکی به سلامت مالی را از حیث سرمایه قانونی فراهم نیاورده است. (پژوهشکده پولی و بانکی، ۱۳۹۳)

اصلاح آیین نامه کفایت سرمایه در ایران الزامات و پیش شرطهایی را دارد. در این شرایط اگر چنانچه قرار باشد مقررات کفایت سرمایه بر اساس یک گام جلوتر از آن یعنی بال ۲ تنظیم گردد نیازمند پیش نیازهایی همچون ایجاد مؤسسات مستقل اعتبارسنجی، فراهم کردن پایه های قانونی و مقرراتی، ایجاد تعامل سازنده بین مقام ناظر و بانکها، ایجاد تغییرات در نحوه انتشار و افشای اطلاعات بانکها و... است.

سوال اصلی این بخش این است که وضعیت کفایت سرمایه بانکها در ایران از زمان ابلاغ آیین نامه کفایت سرمایه چگونه بوده و این وضعیت در گروه های مختلف بانکی (تجاری دولتی، تخصصی، خصوصی و خصوصی شده) به چه نحو است؟ پس از بررسی آمار مربوطه به تحلیل وضعیت کفایت سرمایه بانکها در ایران پرداخته می شود.

در نمودارهای زیر آمار نسبت کفایت سرمایه بانکها که از صورتهای مالی حسابرسی شده آنها استخراج شده است، نشان داده شده است.

^{۱۰} ضرایب ریسک انواع دارایی ها متناسب با مخاطرات احتمالی آنها به ترتیب صفر، ۵۰، ۲۰ و ۱۰۰ درصد می باشد.

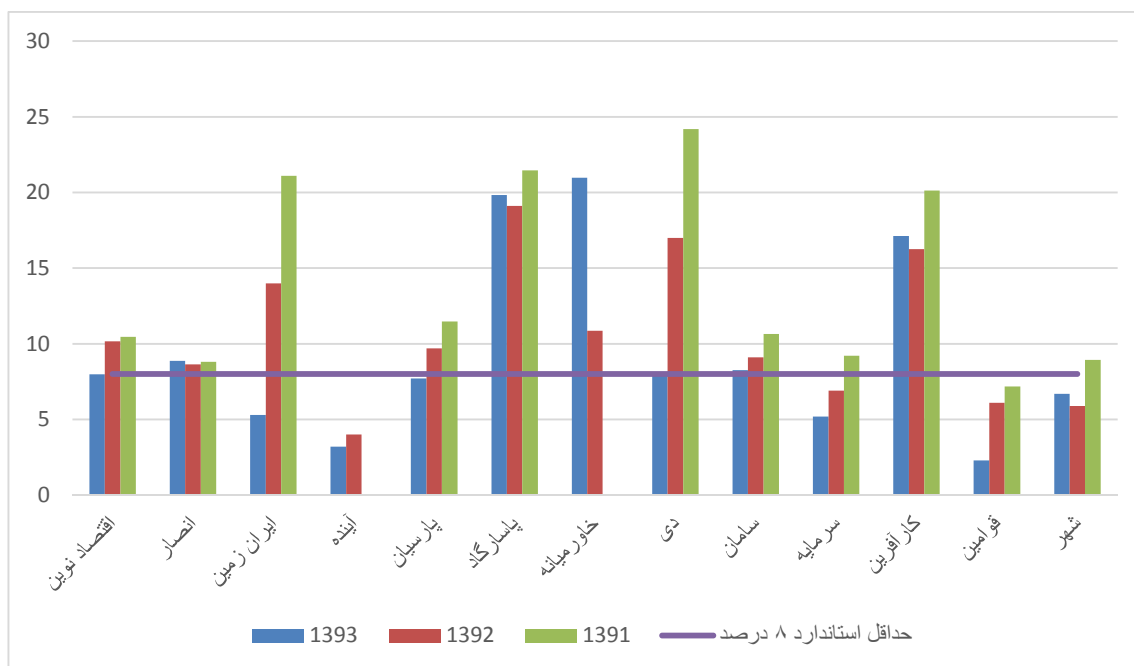
^{۱۱} با استفاده از ضریب تبدیل که از صفر، ۲۰، ۵۰ و ۱۰۰ درصد تشکیل شده است، می توان اقلام زیر خط ترازنامه را، برای منظورهای محاسباتی، هم ردیف اقلام بالای خط تلقی نمود. برای اقلام زیر خط هم باید ضریب تعدیل اعمال شود و هم ضریب ریسک.

^{۱۲} تعریف ارائه شده در آیین نامه کفایت سرمایه، مصوب یک هزار و چهاردهمین جلسه شورای محترم پول و اعتبار مورخ ۱۳۸۲/۱۱/۲۵.

^{۱۳} ذخیره های تجدید ارزیابی دارایی ها به دو گروه تقسیم می شوند: گروه نخست؛ در اکثر کشورها، بانک ها مجاز به ارزیابی مجدد دارایی های ثابت خود مانند ساختمان های مسکونی و غیرمسکونی هستند، در برخی از این کشورها، قانون ارزیابی های پیش گفته را تعیین کرده است و این قبیل ارزیابی های مجدد به صورت ذخیره های حاصل از ارزیابی مجدد در ترازنامه منعکس می شود. گروه دوم؛ ذخیره های پنهان ناشی از تجدید ارزیابی هستند. این ذخیره ها ممکن است در نتیجه نگهداری اوراق بهادار بلندمدت که در ترازنامه به ارزش تاریخی (بهای دارایی) ثبت می شوند آشکار شوند. در این باره باید ضریب ۵۵ درصد به تفاوت میان ارزش دفتری تاریخی و ارزش روز اعمال شود.

^{۱۴} ذخیره های مربوط به زیان ناشی از وام های مشکوک الوصول: اینگونه ذخیره ها، برای جبران زیان های احتمالی آینده نگهداری می شوند. در خلاصه دفتر کل بانک های ایران، سرفصل ذخیره ها (در ستون بدهی ها) به این ترتیب هستند: ذخیره کاهش ارزش سهام، ذخیره مطالبه های مشکوک الوصول، ذخیره استهلاک اموال منقول، ذخیره استهلاک اموال غیرمنقول، ذخیره نوسان ها و تعدیل های ارزی و سایر ذخیره ها. دیگر ذخیره ها نیز در اکثر بانک ها شامل ذخیره بازنشستگی، ذخیره مالیاتی، ذخیره کاهش ارزش وثایق و تسلیک شده و ذخیره کاهش سرمایه شعبه های خارج از کشور است. از میان ذخیره های پیش گفته ذخیره مربوط به زیان ناشی از وام های مشکوک الوصول در محاسبه سرمایه درجه دو بانک های ایران می تواند مورد استفاده قرار گیرد.

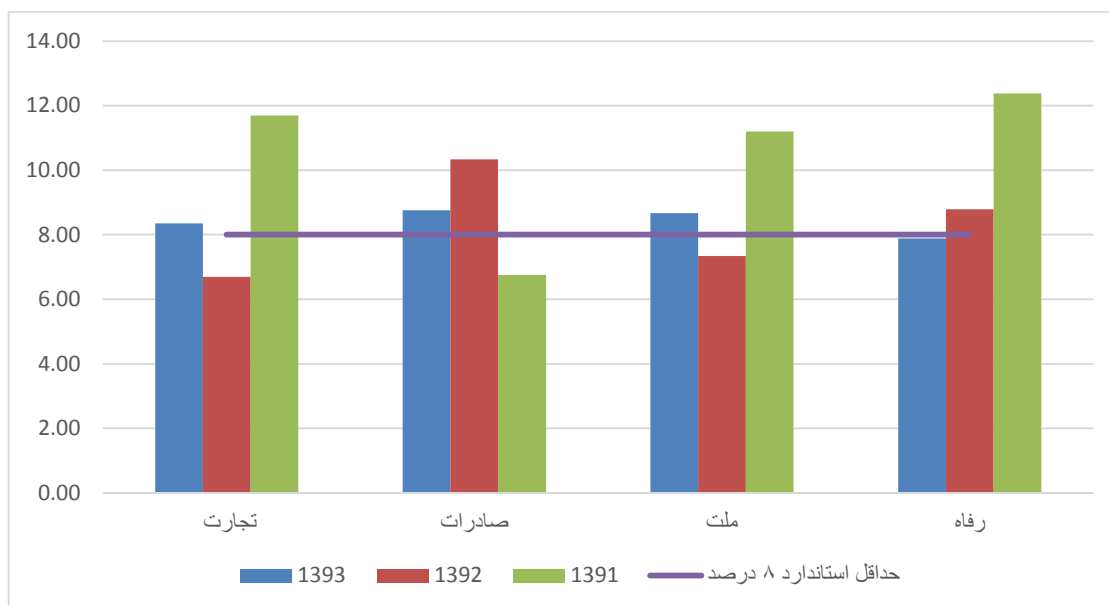
نمودار ۱. نسبت کفایت سرمایه بانکهای منتخب خصوصی طی سالهای ۱۳۹۱-۱۳۹۳ (حداقل استاندارد = ۸ درصد)



منبع: صورت‌های مالی حسابرسی شده بانکها در سالهای مختلف.

نسبت کفایت سرمایه بانکهای منتخب خصوصی در نمودار ۱ نشان داده شده است. همان طور که در نمودار مشخص است، بر اساس مقررات بانک مرکزی حداقل نسبت کفایت سرمایه باید ۸ درصد باشد که به صورت خط ثابت در نمودار نشان داده شده است. بانکهای آینده و قوامین در ۳ سال گذشته همواره زیر استاندارد بوده اند. بانکهای ایران زمین، سرمایه و شهر حداقل یک سال در ۳ سال گذشته زیر استاندارد بوده اند. برخی بانکها از حد استاندارد فاصله زیادی دارند که این نیز مطلوب نیست چراکه می‌تواند نشان‌دهنده مدیریت غیرکارایی منابع و عدم استفاده درست در جهت اعطای تسهیلات باشد. در اکثر موارد بالا بودن کفایت سرمایه در بانکها ناشی از کاهش رشد دارایی ریسکی (کاهش مخرج) بوده است و رشد سرمایه (افزایش صورت) تاثیر کمتری داشته است. در نتیجه این موضوع اگرچه اثر مثبت بر شاخص کفایت سرمایه داشته، اما اثر منفی در سودآوری بانکها دارد.

نمودار ۲. نسبت کفایت سرمایه بانکهای خصوصی شده طی سالهای ۱۳۹۱-۱۳۹۳ (حداقل استاندارد = ۸ درصد)

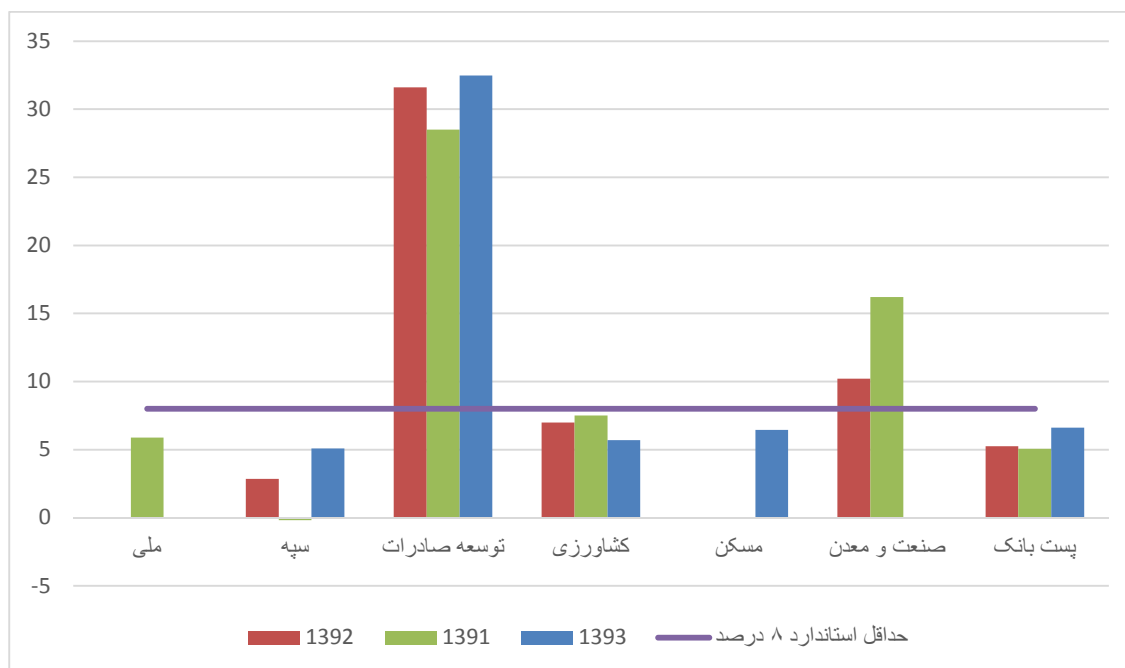


منبع: صورتهای مالی حسابرسی شده بانکها در سالهای مختلف.

در نمودار ۲ شاخص کفایت سرمایه برای بانکهای خصوصی شده طی ۳ سال اخیر نشان داده شده است. بانکهای تجارت، صادرات، ملت و رفاه هر کدام در یکی از سالهای مورد بررسی نسبت مزبور را رعایت ننموده‌اند که البته برای بانک رفاه نزدیک به ۸ درصد است. همانطور که مشخص است بانکهای خصوصی شده دارای نسبتهای خیلی بالا در کفایت سرمایه نیستند که این از نظر بهینگی در مدیریت دارایی‌ها و اعطای تسهیلات مطلوب ارزیابی می‌گردد.

وضعیت کفایت سرمایه بانکهای دولتی اعم از تجاری (سپه، ملی و پست بانک) و تخصصی- توسعه‌ای (سایر) در نمودار ۳ نشان داده شده است. نامنتسب‌ترین وضعیت برای گروه‌های بانکی در خصوص کفایت سرمایه مربوط به بانکهای دولتی است. بانک سپه در سال ۱۳۹۲ به دلیل زیان انباشته با نسبت کفایت سرمایه منفی مواجه شده است. ضعف افشای اطلاعات مربوط به این نسبت نیز در این بانکها مشهود است.

نمودار ۳. نسبت کفایت سرمایه بانکهای دولتی (تجاری و تخصصی) طی سالهای ۱۳۹۱-۱۳۹۳ (حداقل استاندارد = ۸ درصد)



منبع: صورتهای مالی حسابرسی شده بانکها در سالهای مختلف.

عمده گروه‌های بانکی کشور در سال‌های ۹۱ و ۹۲ با افت نسبت کفایت سرمایه مواجه شده‌اند که می‌توان این مساله را ناشی از وضعیت باز ارزی شبکه بانکی به دنبال جهش نرخ ارز در سال‌ها ۹۰ تا ۹۲ دانست که باعث افزایش وزن انواع ارزها به عنوان یکی از اقلام دارایی‌های موزون به ریسک در محاسبه نسبت کفایت سرمایه شده است.

در این میان بانک توسعه صادرات بیشترین نسبت کفایت سرمایه در میان بانکهای دولتی و بانک آینده پایین‌ترین نسبت کفایت سرمایه در میان بانکهای خصوصی را دارا هستند. بالا بودن نسبت کفایت سرمایه در برخی بانکهای خصوصی نشان دهنده عدم مدیریت صحیح منابع مالی و سهم پایین دارایی‌های ریسکی در پرتفوی بانک است که باعث کاهش سود دهی این بانکها خواهد بود.

البته لازم به ذکر است که همانطور که در بخش‌های قبل مربوط به استانداردهای جدید بال در خصوص کفایت سرمایه اشاره شد، اگر چنانچه مقررات جدید کمیته بال را در خصوص گروه بانکهای خصوصی نیز اعمال نماییم با توجه به افزایش حداقل نسبت کفایت سرمایه و همچنین اضافه

^{۱۵} اطلاعات مربوط به نسبت کفایت سرمایه بانکهای دولتی در صورتهای مالی آنها به صورت ناقص افشا شده است. به عنوان مثال بانک مسکن در طی ۳ سال مورد بررسی صرفاً در سال ۱۳۹۳ اقدام به درج نسبت کفایت سرمایه در صورتهای مالی حسابرسی شده خود نموده است. صورتهای مالی حسابرسی شده بانک ملی به همراه یادداشتهای توضیحی از سال ۱۳۹۲ تاکنون منتشر نشده است و بانک صنعت و معدن نیز نسبت کفایت سرمایه در صورت مالی مربوط به همان سال موجود نبود.

شدن سایر مقررات الزامی در خصوص نگهداری حائل‌های سرمایه و محدودیت در برخی دارایی‌های بانکها، نشان داده خواهد شد که بانکهای خصوصی نیز در ایران بر اساس مقررات روز بین‌المللی در وضعیت نامطلوبی قرار ندارند. فهم بهتر و روشن‌تر وضعیت کنونی نسبت کفایت سرمایه بر اساس استانداردهای جدید دنیا بر اساس مثال زیر تشریح داده می‌شود:

فرض کنید صاحبان سهام بانکی ۸ واحد سرمایه آورده باشند و بانک ۹۲ واحد سپرده بگیرد؛ به‌طوری‌که مجموع بدهی‌ها و دارایی‌هایش ۱۰۰ واحد باشد. باز فرض کنید:

- ۶۰ واحد به شرکت‌های معتبر وام بدهد بدون وام معوق
- حدود ۱۰ واحد ذخیره نزد بانک مرکزی
- ۱۰ واحد سرمایه‌گذاری‌های خرد در بورس سهام داشته باشد و
- با ۲۰ واحد، بخش عمده سهام یک شرکت تجاری را بخرد (مجموعاً ۱۰۰ واحد).

در باز ۱ مجموع ریسک این بانک $۶۰ + ۱۰ + ۲۰$ و نسبت کفایت سرمایه‌اش ۸ تقسیم بر ۹۰ و برابر ۹ درصد خواهد بود (ذخیره نزد بانک مرکزی ریسک به‌شمار نمی‌رود). این بانک از نظر باز ۱ مطابق مقررات عمل کرده است؛ اما طبق باز ۳ ریسک خرید عمده سهام یک شرکت تجاری ۵/۱۲ برابر و ریسک خرید سهام در بورس حدود ۴ برابر باز ۱ است؛ بنابراین مجموع ریسک بانک برابر ۳۵۰ ($۶۰ + ۴۰ + ۲۵۰$) و نسبت کفایت سرمایه ۸ تقسیم بر ۳۵۰ یا ۲/۲ درصد خواهد بود. (این موضوع برای بانکهای ایران در وضعیت فعلی پس‌ابرجام صدق میکند)

۱ واکاوی چالشهای کفایت سرمایه در بانکهای ایران

وضعیتی که تا به اینجای گزارش به تصویر کشیده شد حاکی از مقررات قدیمی و ناکارآمد و وضعیت آماری نه‌چندان هماهنگ و مطلوب برای بانکهای غیردولتی و وضعیت نابسامان برای بانکهای دولتی است. حال باید دید ریشه این مشکلات و چالشها کجا بوده و برآمده از چه عواملی است. به‌طور کلی از مهمترین علل کاهش کفایت سرمایه بانکها می‌توان به افزایش مانده مطالبات غیرجاری، کیفیت پایین و عدم نقدشوندگی بخش قابل توجهی از دارایی‌های غیرتسهیلاتی، عدم افزایش سرمایه پایه به تناسب حجم دارایی‌های بانکها، تعیین دستوری نرخ سود سپرده‌ها و تسهیلات و تحمیل ریسک از این ناحیه، مدیریت نامناسب ترکیب انواع سپرده‌ها و سهم آنها در کل منابع بانکها، الزامات نهادهای دولتی و حاکمیتی برای مصارف بانکها اشاره نمود.

یکی دیگر از علل پایین بودن نسبت کفایت سرمایه که موجب کاهش سودآوری بانک (و موجب محدودیت سود انباشته شده و سرمایه پایه بانک را به عنوان صورت نسبت کفایت سرمایه کاهش می‌دهد) چالش و معضل عدم تأدیه بدهی‌های دولت به بانکها است که هر سال بر این چالش افزوده می‌شود. این مسئله موجب شده است تصمیمات نه‌چندان کارآمدی همچون تهاجر بدهی دولت با مطالبات بانکها از محل تسهیلات حساب ذخیره ارزی و همچنین روشهایی همانند واگذاری دارایی‌ها و یا بعضاً شرکت‌های دولتی به عنوان رد دیون به بانکها که نه تنها مشکل دسترسی بانکها به منابع نقد جهت اعطای تسهیلات و نهایتاً افزایش سودآوری و تأثیر مثبت بر کفایت سرمایه نداشته است و بلکه بر مشکلات بانکها در خصوص اموال و دارایی‌های مازاد افزوده است که این اموال و دارایی‌های مازاد باید بر اساس قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر طی ۳ سال واگذار گردند.

یکی از چالش‌های زیربنایی در عدم تکافوی سرمایه، بانک‌محور بودن تأمین مالی در کشور است که موجب شده است بار اصلی تأمین مالی اقتصاد بر دوش شبکه بانکی باشد و این موجب عدم تعادل میان تجهیز و تخصیص منابع بانکی شده و فشار زیاد بر دوش نظام بانکی باشد. البته این موضوع یک عامل زمینه‌ای است و به هیچ عنوان رافع کاستی‌ها و ناکارآمدی‌های مدیریتی بانکها نمی‌گردد.

به وضعیت کفایت سرمایه بانکهای کشور نشان داد تعداد زیادی از بانکهای دولتی از نظر استاندارد کفایت سرمایه در وضعیت نامناسبی قرار دارند. این بانکها عمدتاً به خاطر دخالت‌های خارج از قاعده و برخی قوانین همواره با مشکل آسیب دیدن نسبت کفایت سرمایه مواجه بوده‌اند. به

عنوان نمونه الزام بانک‌ها به خرید مازاد اوراق مشارکت پس از انتشار باعث شده تا در صورت عدم بازپرداخت اصل و سود اوراق بعد از سررسید از جانب آن دستگاه فشار زیادی به سرمایه پایه بانک وارد شود. همینطور است تکالیف بیرونی دولتی و غیردولتی برای تأمین مالی توسط این بانک‌ها. ضعف‌ها و اشکالات مقررات و استانداردهای ناظر بر محاسبه و ارزیابی دارایی‌های ارزی و ریالی بانک‌ها مساله دیگری است که باعث می‌شود در مواقع کاهش ارزش پول ملی نسبت کفایت سرمایه بانک‌ها در سطح بین‌المللی کاهش یابد. با توجه به این‌که سرمایه ریالی و ارزی بانک‌ها به‌صورت ریالی ثبت می‌شود، متأسفانه حسب استانداردهای فعلی می‌باید به نرخ روز تسعیر شده و ثبت شود که با افزایش نرخ انواع ارز و کاهش برابری ریال در مقابل آنها، ارزش سرمایه، دارایی‌ها و منابع بانک‌ها در مقیاس بین‌المللی و در مقایسه با ارزهای خارجی مثل دلار و یورو کاهش خواهد یافت. یکی از مصادیق ناکارآمدی سیاستهای بیرونی اثرگذار بر کاهش کفایت سرمایه بانک‌های دولتی از الزام قانونی واریز سود پیش‌بینی شده بانک‌های دولتی به خزانه قبل از تحقق است که به عنوان یکی از معضلات کاهش کفایت سرمایه بانک‌های دولتی نام برده می‌شود. در شرایطی که سود پیش‌بینی شده می‌تواند به خاطر انواع ریسک‌ها به مقدار کمتری محقق شود، این الزام باعث می‌شود تا در پایان سال مالی بانک مجبور شود قسمتی از سرمایه پایه خود را از دست بدهد. همچنین به خاطر ارزیابی مدیران بانک‌های دولتی براساس عملکرد و سودآوری بانک تحت مدیریت، انگیزه زیادی برای گزارش بیشتر سود پیش‌بینی شده در میان آن‌ها وجود دارد که خود عامل دیگری در ضربه دیدن کفایت سرمایه در این بانک‌هاست. معضل دیگر بانک‌های دولتی مربوط به تنگنایهای تامین مالی است. بانک‌های خصوصی با حضور در بازار سرمایه و استقبال خوبی که از سهام این بانک‌ها شد، از وضعیت کفایت سرمایه بهتری نسبت به بانک‌های دولتی برخوردار هستند. دسترسی به بازار سرمایه برای تامین مالی یکی از مزیت‌های بانک‌های خصوصی در برابر بانک‌های دولتی است که باعث شده کفایت سرمایه این بانک‌ها بهتر از بانک‌های دولتی باشد.



بانک‌های غیردولتی نیز با مشکل کفایت سرمایه، کیفیت پایین سرمایه و یا قدرت پایین رقابتی این بانک‌ها با بانک‌های خارجی از نظر قدرت سرمایه مواجه هستند. این که بانک‌های خصوصی که با مساله تسهیلات تکلیفی و سایر مشکلات بانک‌های دولتی مواجه نیستند نسبت کفایت سرمایه پایینی داشته باشند، عموماً به مساله مدیریت پایین ریسک در این بانک‌ها برمی‌گردد. حجم بالای مطالبات غیرجاری در این بانک‌ها یکی از مسایلی است که بالا بودن ریسک اعتباری و عدم مدیریت و شناسایی مناسب آن در بانک‌های خصوصی را نشان می‌دهد. «بررسی‌ها نشان می‌دهد که در سال ۱۳۹۱، ۱۸ درصد از کل تسهیلات بانک‌های خصوصی را تسهیلات غیرجاری تشکیل می‌دهد که بانک قوامین با ۸۵٫۶ درصد و بانک پارسیان با ۲۷٫۳ درصد بیشترین حجم تسهیلات غیرجاری را دارا هستند». (احمدیان ۱۳۹۲)

بررسی صورتهای مالی بانکهای دولتی، خصوصی و خصوصی شده کشور برای دوره ۸۴-۹۳ نشان می‌دهد که رویه‌های متفاوت گزارشگری نسبت کفایت سرمایه، شرایط را برای بهبود ظاهر سلامت مالی بانکها بدون افزایش سرمایه فراهم کرده است. به عنوان مثال بررسی صورتهای مالی نشان داد که برخی از بانکها به تمامی مطالبات شعب خارجی خود ضریب ریسک یکسانی اختصاص می‌دهند. این درحالی است که بر اساس طبقه بندی ریسک کشورهای مختلف در آیین نامه کفایت سرمایه، مطالبات و دارایی های افراد و نهادهای کشورهای گروه ب مشخص شده در این آیین نامه باید ضریب ریسک بالاتری دریافت کند. عدم رعایت این مساله در گزارش گری نسبت های کفایت سرمایه باعث شده است تا نسبت های کفایت سرمایه بالاتری در این صورت های مالی گزارش شوند.

به بیان دقیق تر بانکهایی که براساس توافق نامه سرمایه بال یک از سرمایه کافی برای پوشش دارایی های موزون به ریسک خود برخوردار نبودند، برای حفظ نسبت سرمایه قانونی مورد نیاز در کوتاه مدت به تغییر ترکیب پرتفوی دارایی های خود پرداخته و به دلیل وزن ریسکی کمتر اوراق بهادار در مقایسه با وام، تغییر ترکیب پرتفوی دارایی ها از وام به سمت اوراق بهادار را مورد توجه قرار دادند. این امر تا حدودی تمایل بیشتر بانکها به حضور در بازار اوراق بهادار به جای فعالیت در بازار اعتبار را در شرایط اندک بودن سرمایه بانک به خوبی تفسیر می نماید. البته این مسئله در بال ۳ تغییر کرده است و مقررات سخت گیرانه ای برای حضور بانکها در بازار سرمایه و اوراق بهادار در نظر گرفته شده است. تفاوت شیوه های گزارش گری نسبت کفایت سرمایه و فقدان مقررات مربوط به گزارش گری مالی صورتهای مالی نیز باعث شده است تا بانکها از رایج غیر شفاف نسبت های کفایت سرمایه خود در بازارهای مالی سود ببرند.

چالش ها و خلأهای دیگری نیز در خصوص کفایت سرمایه بانکها در ایران وجود دارد که می توان به مواردی همچون ضعف در افشا و تفاوت های کم و بیش زیاد در ارائه اطلاعات مربوط به کفایت سرمایه در صورتهای مالی، عدم اثربخشی اقدامات اصلاحی و نظارتی لازم در خصوص بانکهای با کفایت سرمایه پایین تر از حد استاندارد، کیفیت پایین و غیر کارای کانالهای افزایش سرمایه بانکها همچون تجدید ارزیابی دارایی ها و.. اشاره نمود.

۲ الزامات بهبود نسبت کفایت سرمایه و ارتقای استانداردها

همانطور که بیان شد، مقررات مربوط به سرمایه و محاسبه کفایت سرمایه بانکها در ایران بر اساس بیانیه بال ۱ تدوین شده است و این در حالیست که ۱۸ سال از بیانیه نسخه اول کمیته بال می گذرد (سال ۱۹۹۸) و استاندارد بال ۲ و ۳ در دوه دهه گذشته تغییرات و پیشرفتهای قابل توجهی از نظر مقررات و نحوه محاسبه کفایت سرمایه داشته است. به ویژه آنکه ضعفهای بال ۲ با تجربه بحران مالی ۲۰۰۷-۲۰۰۸ مشخص شده و در بال ۳ اصلاح و تکمیل شده است. حال با توجه به مشخص شدن ضعفهای متعدد در خصوص مقررات کفایت سرمایه در بانکداری ایران و اثربخشی پایین آن در خصوص الزامات سرمایه های بانکهای کشور، ضروریست استانداردها و مقررات مربوطه در ایران به طور کل مورد بازنگری قرار گیرد. از طرفی به دلیل جامعیتی که در تدوین مقررات بال ۲ و بویژه ۳ به کار رفته، است، هرگونه اصلاح در مقررات داخلی، نیازمند طراحی پیش نیازهای اجرایی بیشتری نسبت به بیانیه اولیه می باشد. از آنجا که ارکان مختلف مقررات بال ۲ و ۳ به هم وابستگی دارند و یکدیگر را تقویت می کنند، اجرای آن مستلزم انجام هماهنگی های لازم و کسب آمادگی ناظران و بانکها می باشد. پیش نیازهای لازم برای اصلاح و بکارگیری چارچوبهای جدید استانداردهای کفایت سرمایه به شرح زیر می باشد:

۱) پیش نیازهای قانونی و مقرراتی

بستر اصلی بکارگیری و استانداردهای کفایت سرمایه در شبکه بانکی قوانین پایه ای و مقرراتی است که براساس قوانین پایه ای طراحی و ابلاغ می شود.

در این خصوص قوانین و مقررات مکفی در متن قانون پولی و بانکی کشور از جمله مقررات تصریح شده در ماده ۱۴ قانون در خصوص دخالت و نظارت بانک مرکزی در امور پولی و بانکی کشور و ماده ۳۳ در مورد شرایط و نحوه فعالیت بانکها وجود دارد که مقام نظارتی با استناد به آن می تواند مقررات مورد نظر را با توجه به رهنمودهای کمیته بال تدوین و پس از سیر مراحل قانونی بر اجرای آن نظارت نماید.

با این حال تاکنون به جز آیین نامه ابلاغ شده سال ۱۳۸۲ مقررات گذاری دیگری متناسب با الزامات بال ۲ و ۳ انجام نشده است.

۲) زمان بندی مناسب و مرحله به مرحله برای پیاده کردن چارچوب های جدید کفایت سرمایه

از جمله مشکلات شبکه بانکی در هماهنگی با چارچوب های جدید کفایت سرمایه، عدم تجربه کافی و فقدان دانش مورد نیاز این استانداردها در سطح مدیران عامل و هیئت مدیره بانک های مختلف است. چنانچه پیاده سازی روش های روز دنیا در اندازه گیری و کنترل کفایت سرمایه براساس برنامه ای گام به گام و زمان بندی شده همراه نشود، ناآشنایی و فرصت اندک تطبیق با الزامات قانونی جدید باعث شکست شبکه بانکی در پیاده کردن استانداردهای جدید و استفاده از روش های نوین مدیریت ریسک می شود.

یکی از مهمترین اقداماتی که در این باره باید صورت بگیرد، پیش بینی اولیتهای استفاده از رویکردهای محاسباتی در تدوین مقررات مربوطه برای اجرایی شدن رکن اول بیانیه، موسوم به الزامات حداقل سرمایه است. در این خصوص پیشنهاد می شود استفاده از رویکردهای استاندارد شده که در مقایسه با رویکردهای پیشرفته تر، ساده تر است باید مبنای تدوین مقررات باشد. زیرا با توجه به تجربه کوتاه بانکها و ناظران در اجرایی کردن این قبیل مقررات، راهی سهل الوصول برای اجرایی شدن مقررات مزبور به شمار می رود. به عبارت دیگر در تدوین مقررات برای محاسبه سرمایه اجباری بانکها باید رویکردهای ساده در اولویت قرار گیرد. دلیل دیگر این امر مشابهت بیشتر رویکردهای ساده تر در بال شماره ۲ با ساختار فعلی مقررات کفایت سرمایه در کشور است که در حال حاضر در چارچوب رهنمودهای کمیته بال در بیانیه اولیه بال ۱ اجرا می شود. (پهلوان زاده ۱۳۸۶)

۳) توسعه ظرفیت های اعتبارسنجی

یکی از پیش نیازهای ضروری برای ارتقای مقررات کفایت سرمایه، تقویت و ارتقای نظام بانکی از منظر ابزارها و زیرساخت های مورد نیاز برای اعتباری سنجی و محاسبه ریسک های اعتباری مشتریان است. این مسئله در بال ۲ با معرفی رویکردهای استاندارد اعتبارسنجی شروع شده و در بال ۳ نیز ارتقا یافته است. همانطور که در بخش توصیف مقررات کمیته بال گذشت، مسئله اعتبارسنجی هم می تواند با اتخاذ روش های رتبه بندی داخلی موسسه اعتباری صورت گیرد و هم می تواند با استفاده از موسسات مستقل اعتبارسنجی انجام شود.

۴) ایجاد تغییرات سازمانی متناسب در بانکها برای اجرای مقررات مربوطه

کمیته های تخصصی مدیریت ریسک، تعامل میان هیئت مدیره و مدیر ارشد کنترل ریسک، واحد های مستقل حسابرسی داخلی (بدون به کارگیری مدیران سابق بانک)، واحد های فناوری و اطلاعات به منظور پیاده سازی بانکداری متمرکز (core banking) و... نمونه هایی از ساختارهای جدید مورد نیاز برای پیاده سازی استانداردهای جدید کمیته بال هستند که شبکه بانکی کنونی کشور فاقد آن هاست. بسیاری از بانکها در نمودارهای سازمانی خود جایی برای این کمیته ها تعبیه نکرده یا از یک بخش واحد برای انجام دادن وظایف تفکیک شده بخش های فوق الذکر استفاده می کنند.

۵) اصلاح ساختار افشای اطلاعات مالی

رویه های سلیقه ای گزارش گری نسبت کفایت سرمایه و دارایی های موزون به ریسک در صورت های مالی بانکها باعث شده است تا بانکها بتوانند به راحتی اجزای مختلف بیان کننده سلامت مالی شان را پنهان کنند و از طرف دیگر استانداردهای تولید و اعلام اطلاعات مورد نیاز ناظران بانک مرکزی وجود ندارد. به بیان دیگر مقام ناظر در کشور تنها به شکل دست نخورده تری از همان نوع اطلاعات عمومی دسترسی دارد. مقررات ناظر بر افشا در صورتهای مالی بانکهای کشور باید همگام با رهنمودهای کمیته بال مورد بازنگری اساسی قرار گیرد. ایجاد تغییرات لازم در روشهای افشا در صورتهای مالی بانکها، متناسب با الزامات جدید کفایت سرمایه مستلزم تشریک مساعی بین بانک مرکزی و سازمان حسابرسی به عنوان متولی اصلی تایید صورتهای مالی حسابرسی شده بانکهای کشور، ضروری است.

۶) اصلاح رویه تعیین سود تسهیلات بانکی

رویه تعیین سود علی الحساب تسهیلات بانکی در کشور باید به گونه ای باشد که اعتبارسنجی بانکها از مقدار ریسک متقاضیان و نوسانات کلان اقتصادی به جای تعیین دستوری شورای پول و اعتبار در آن دخیل باشد. اصلاح رویه تعیین نرخ سود علاوه بر جلوگیری از شکست های نهادی

در بازار اعتباری (مانند انتخاب معکوس، ...) زمینه توسعه نهادهای اعتبارسنجی و شرکت های جمع آوری کننده اطلاعات مشتریان (credit bureau) در بازارهای مالی کشور را نیز فراهم می کند.

۷) بازنگری در کانال های افزایش سرمایه بانکها بویژه بانکهای دولتی

یکی از چالش هایی که در متن گزارش نیز اشاره شد، وضعیت نابسامان سرمایه بانکهای دولتی و ناکارمندی کانال های افزایش سرمایه در کلیه بانکها (همچون تکیه زیاد بر افزایش سرمایه از محل تجدید ارزیابی دارایی ها) است. بر این اساس ضروریست اصلاح جدی در خصوص کانال های افزایش سرمایه بانکهای دولتی و غیردولتی صورت گیرد. برای بهبود کفایت سرمایه افزون بر موارد ذکر شده می باید نسبت به اصلاح ساختار مالی، اداری، سازمانی و توجه به ابعاد حاکمیت شرکتی از جمله مدیریت ریسک بانکها اقدام لازم صورت گیرد. نکته حائز اهمیت در افزایش سرمایه بانکها این است که اگر این افزایش سرمایه همراه با تقویت ابعاد نظارتی و اصلاح قوانین و مقررات مربوطه نباشد، نه تنها کارایی ندارد بلکه ضمن از بین رفتن منابع، مشکلات موجود نظام بانکی را در زمینه ارائه تسهیلات به بخش های مولد، معوقات بانکی و ... دوچندان خواهد کرد.

۳ جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با توجه به این که نظام بانکی کشور تاکنون تنها در چارچوب استانداردهای بال یک نسبت به مدیریت ریسک اعتباری و تعیین نسبت کفایت سرمایه اقدام کرده است، بررسی این نسبت در بانک‌های کشور و تفسیر علل نوسانات آن در بلندمدت یکی از مسایل مهم ارزیابی سلامت مالی بخش بانکی به شمار می‌رود. بررسی‌های انجام شده توسط پژوهشگران مختلف نشان می‌دهد که سطح نسبت کفایت سرمایه بانک‌های کشور در سالیان متوالی با نوسانات متعددی روبرو بوده است. نگاهی به بانک‌های کشور به تفکیک تجاری دولتی، تخصصی دولتی، خصوصی و خصوصی شده نشان دهنده تفاوت معناداری میان نسبت کفایت سرمایه گروه‌های مختلف بانکی در کشور می‌باشد.

در مقام مقایسه، بانک‌های خصوصی از نسبت کفایت سرمایه نسبتاً باثبات‌تر و بالاتری نسبت به سایر گروه‌های بانکی برخوردار بوده‌اند. دسترسی برخی از بانک‌های خصوصی به بازار سرمایه برای افزایش سرمایه و استقلال در تعیین استراتژی و تصمیم‌گیری‌های مدیریت دو ویژگی مهم بانک‌های خصوصی است که باعث شده است این بانک‌ها در کل از سلامت مالی بهتری برخوردار باشند. البته در این میان تعدادی از بانک‌های خصوصی از در میان ناسالم‌ترین بانک‌های کشور قرار بگیرند. این امر نشان می‌دهد که بانک‌های خصوصی نیز در صورت عدم مدیریت و ناکارایی با خطر افت نسبت کفایت سرمایه و کاهش سلامت مالی روبرو هستند.

در میان گروه‌های بانکی کشور، وضعیت بانک‌های دولتی از نظر نسبت کفایت سرمایه در بلندمدت بسیار وخیم ارزیابی می‌شود به گونه‌ای که در برخی سال‌ها بسیاری از این بانک‌ها به صورت جدی با مشکل عدم کفایت سرمایه برای پوشش ریسک دارایی‌های خود مواجه شدند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که این مساله به خاطر شرایط خاص حاکم بر سازوکار تصمیم‌گیری داخلی و سیاست‌گذاری بانک‌های دولتی به وجود آمده است. اجبار بانک‌های دولتی به اعطای تسهیلات تکلیفی، عدم انضباط مالی بخش عمومی در پرداخت تعهدات خود به بانک‌های دولتی، مدیریت ناکارآمد و تعیین مدیریت بانک‌های دولتی تحت تاثیر شرایط سیاسی، عدم استقلال هیئت مدیره بانک‌های دولتی در مقابل درخواست‌های بخش دولتی از جمله مسایلی هستند که باعث شده است بانک‌های دولتی از وضعیت به مراتب وخیم‌تری نسبت به سایر بانک‌های کشور در نسبت کفایت سرمایه برخوردار باشند.

علی‌رغم این مساله که بازارهای مالی و اعتباری کشور به سرعت در حال گسترش استفاده از نوآوری‌های جدید و توسعه همکاری‌های بین‌المللی با شرکای خارجی خود هستند، متأسفانه تاکنون تهیه و ابلاغ استانداردهای کفایت سرمایه متناسب با سرعت تغییرات نظام بانکی کشور از سوی مقام ناظر دنبال نشده است. عدم همراهی بانک مرکزی به عنوان نهاد متولی سیاست‌گذاری و مقررات‌گذاری شبکه بانکی با اقتضائات جدید و یافته‌های روز باعث خواهد شد تا اشکالات مدل‌های قدیمی مدیریت ریسک و استانداردهای کفایت سرمایه بال ۱ در شبکه بانکی باقی مانده و به تکرار بحران‌های بانکی و اعتباری تجربه شده دنیا در داخل کشور منجر شود.

در نهایت می‌توان بیان داشت بدون بازنگری و روزآمدسازی مقررات و استانداردهای سرمایه و نسبت کفایت آن بر اساس پیشرفتهای صورت گرفته در بیانیه بال ۲ که زیرساخت‌های ارتقای محاسبه کفایت سرمایه را بر اساس انواع ریسک و موضوع مهم اعتبارسنجی و رتبه‌بندی اعتباری مورد توجه قرار داده و همچنین بیانیه بال ۳ که ضوابط سخت‌گیرانه‌ای را برای کنترل ریسک و ورود بانک‌ها به حوزه‌های سرمایه‌گذاری تجاری اعمال می‌کند، بهبود کفایت سرمایه به صورت پایدار ممکن نخواهد بود. به بیان دیگر در غیاب اصلاح مقررات، صرفاً روشهای علاج کوتاه‌مدت برای بهبود کفایت سرمایه همچون افزایش سرمایه بانک‌ها از طریق منابع غیرنقد (تهاتر بدهی‌ها بانک‌ها از محل تسعیر ارز و استفاده از آن برای افزایش سهم سرمایه دولت در برخی بانک‌ها و یا تجدید ارزیابی دارایی‌های ثابت بانک‌ها) و یا تغییراتی در ترکیب دارایی‌های بانک‌ها به منظور افزایش نسبت کفایت سرمایه و... به کار گرفته می‌شود که این روش‌ها کارآمدی لازم را نداشته و بانک‌های کشور را برای ورود به بازارهای بین‌المللی قطعاً با مشکلاتی مواجه خواهد نمود چراکه بانک‌های معتبر در دنیا یکی از پیش شرط‌های مبادله را روزآمد بودن و انطباق با مقررات جدید کمیته بال می‌دانند. لازم به ذکر است اصلاح مقررات بر اساس مقررات کفایت سرمایه بال ۲ و ۳ نیازمند فرصت کافی جهت تطبیق بانک‌ها و فراهم‌آوری پیش‌نیازها و الزامات آن می‌باشد.

۱. پهلوانزاده، مسعود. مروری بر رویکردهای جدید نسبت کفایت سرمایه در بانکها، مجله روند، سال هفدهم - شماره‌های ۵۲ و ۵۳ بهار و تابستان ۱۳۸۶.
۲. پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی، 'ارزیابی شاخص‌های سلامت بانکی در بانک‌های ایران (۱۳۹۰-۱۳۹۱)'، اعظم احمدیان، مقاله کاری شماره ۹۲۲۲، زمستان ۱۳۹۲
۳. پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی، ارزیابی سرمایه بانک‌ها براساس استانداردهای بین المللی، خشنود، زهرا و اسفندیاری، شهریور ۹۳
۴. آیین نامه کفایت سرمایه شورای پول و اعتبار، شماره مب/۱۹۶۶، ۱۳۸۲
۵. ضوابط ناظر بر حداقل استانداردهای شفافیت و انتشار عمومی اطلاعات توسط موسسات اعتباری، شورای پول و اعتبار، شماره ۹۳/۱۲۰۲۹۳، ۱۳۹۳

6. Basel Capital Accord, International Conference of Capital Measurement and Capital Standards, July 1988
7. Bank for International Settlements 2004, "international Convergence of Capital Measurement and Capital Standards"
8. Bank for International Settlements 2010, "Basel III: A global regulatory framework for more resilient banks and banking systems"
9. Bank for International Settlements 2010, "An assessment of the long-term economic impact of stronger capital and liquidity requirements" NBER WORKING PAPER SERIES
10. Saunders, Anthony and Allen (2010), CREDIT RISK MEASUREMENT IN AND OUT OF FINANCIAL CRISIS, John Wiley and sons Inc
11. Elizalde, Abel, (2007), "FROM BASEL I TO BASEL II: AN ANALYSIS OF THE THREE PILLARS", CEMFI Working Paper No. 0704.
12. Auboin, Marc and Blengini, Isabella (2014), "The Impact of Basel III on Trade Finance: The Potential Unintended Consequences of the Leverage Ratio", World Trade Organization, Staff Working Paper ERSD-2014-02